ادامه از صفحه ۱۱

۵-کمک گرفتن از امان‌الله‌خان افغان

اولین حرمت‌شکنی آشکار در دوره پهلوی اول با دعوت امان‌الله‌خان رئیس جمهور غرب‌زده افغانستان، برای سفر به ایران در سال ۱۳۰۷ صورت پذیرفت. آیت‌الله بهلول که در آن زمان در سبزوار زندگی می‌کرده، در خاطرات خویش پیرامون این سفر می‌گوید: «مقصود پهلوی از دعوت... این بود که امان‌الله با زن بی‌حجاب خود بیاید تا زن‌ها ببینند و کم‌کم بی‌حجابی عادی شود... امان‌الله آمد... تیمورتاش... میهماندار امان‌الله بود. با یک ماشین شهربه‌شهر خط سیر را ادامه می‌دادند و به هر شـــهر که می‌خواســـتند بیایند قبلاً باغ ملی آن شهر را آیینه‌بندی می‌کردند و جلوی امان‌الله، ساز و فاحشه و شراب و... می‌آوردند و می‌گذاشتند. به ما خبر دادند که این‌ها شب اول محرم از سبزوار می‌گذرند. این امر مصیبت برای من شد... باید شب اول محرم را در سبزوار جشن بگیرند... با کمال افسردگی درهمان پیچ باغ ملی سبزوار ایستادم و آیینه‌بندی را تماشا می‌کردم و با خود گریه می‌کردم.» بهلول بالاخره با کمک ۵۰ الی ۱۰۰ نفر موفق می‌شود چراغانی آیینه‌بندی را به هم بزند و به این ترتیب دیگر امان‌الله‌خان را به سبزوار نمی‌آورند.

۶-تلاش برای کلیسایی کردن تکایا

در نهم محرم سال ۱۳۱۰ در حالی که بسیاری از مراسم مانند زنجیر زدن، سنگ زدن و دسته راه‌انداختن ممنوع بود؛ رضاخان در تکیه دولت حضور پیدا کرد و روضه ساده‌ای خوانده شد. حکومت پهلوی سال بعد یک قدم پیشتر گذاشت و شاه به‌طور کل درمراسم سوگواری محرم شرکت نکرد. تنها در بلدیه روضه مختصری خوانده شد و حتی برای اینکه عشق و علاقه سربازان را به امام حسین(ع) کم کنند، رژه‌های مخصوص و دســـته‌های مفصل موزیک و هیاهوی بســـیار به‌راه انداختند. چهار سال بعد رضاخان طرح تغییر صورت ظاهری عزاداری محرم به مراسم کلیسا را جامه عمل پوشاند و دستور داد که در مجالس روضه از میز و نیمکت به‌رسم کلیساهای غربی استفاده شود و زن و مرد مختلط بنشینند و زنان از حجاب استفاده نکنند. رضاخان درپاسخ به نامه ستاد ارتش در مورخ ۱۳۱۴/۱۲/۲۳ ه. ش که درخصوص چگونگی برخورد با مراسم ایام محرم در مساجد و تکایا کسب تکلیف می‌کرد، چنین نوشت: «البته بایستی روضه‌خوانی کنند و ممانعت نمی‌شـــود. ولی روضه‌خوانی بایســـتی در مســـاجد و تکایا باشد آن هم مرتب و با قاعده و در روی نیمکت‌ها مستمعین بنشینند و آقایان محدثین و متخصص، روضه‌خوانی کنند. سینه‌زنی و از این قبیل کارهای سابق به کلی ممنوع است.»

۷-بالاخره ممنوعیت کامل عزاداری

اما بالاخره دوسال بعد، کار به ممنوعیت کامل عزاداری کشید. بعد از فراهم شدن مقدمات، سرانجام در سال ۱۳۱۶ اقدام نهایی برای از بین بردن کامل عزاداری انجام شـــد و وزارت داخله حکومت پهلوی در اسفندماه آن سال طی بخشنامه‌ای به تمام استانداری‌ها و فرمانداری‌ها اعلام کرد: «... جلوگیری از روضه‌خوانی و خارج کردن خرافات از سر مردم و آشنا نمودن به اصول تمدن، امروزه رسالت اساسی داخلی دولت است... .» این بخشنامه، علت این اقدام را آشـــنا کردن مردم با تمدن امروز و خارج کردن افکار مردم از خرافات اعلام می‌کرد. کار به جایی رســـید که حتی هنگام مراســـم ترحیم افراد، که معمولا ذکر مصیبت ائمه(ع) گفته می‌شد هم محدودیت‌هایی برقرار شد که طی آن در این نوع مراســـم، واعظ حق ذکر مصیبت خواندن را نداشـــت. مساله مبارزه با عزاداری در پنج سال آخر حکومت رضاخان باجدیت دنبال شد.

۸-کشمکش غربگراها و عشاق اباعبدالله(ع)

یحیی دولت آبادی که از مشاوران و نزدیکان رضاشاه، قبل و پس از سلطنت اوست و احمد کسروی که هر دو خودشان ابتدا در کسوت روحانیت بودند، اما به‌دلایل گوناگونی از لحاظ فکری تغییر کرده و استحاله شده بودند و همین‌طور تیمورتاش به همراه داور، فروغی و نصرت الدوله فیروز، از عوامل مهمی بودند که رضاخان را در تهاجمات ضدمذهبی‌اش یاری می‌کردند یا روی او در این زمینه تاثیر داشتند. این عده نقش مهمی در روند دین‌زدایی از جامعه داشتند. در میان این افراد، تیمورتاش که اسم اصلی‌اش عبدالحسین بود، می‌گفت بر پدرم لعنت که چنین اســـمی روی من گذاشـــت. اما تمام تلاش‌های رضاخان به تعطیلی کامل عزاداری‌های محرم منتج نشد. مردم از پشت‌بام‌ها به منازل هم می‌رفتند و در مجالس عزا شرکت می‌کردند. در بسیاری از مواقع، وقت سحر و مابین طلوعین را برای عزاداری انتخاب می‌کردند. البته بودند افراد بانفوذی که با اســـتفاده از موقعیت خود تلاش کردند مجالس روضه را زنده نگه دارند. در این میان تلاش‌های آیت‌الله شـــیخ عبدالهادی حائری‌یزدی، چشـــمگیر بود. وی علاوه‌بر روضه که هر شب جمعه و در دهه محرم به آن اهتمام داشت، هر روز قبل از شروع درس به‌طور مختصر ذکر توسلی به امام حسین(ع) توسط یکی از شاگردانش (حاج آقا جواد قمی یا شیخ ابراهیم صاحب‌الزمانی) انجام می‌داد.

۹-سرانجام سقوط دیکتاتور: و فریاد یا حسین(ع) ایرانیان

اما ممنوع بودن برگزاری مراســـم عزاداری امام حسین(ع) با اشـــغال ایران به دست متفقین و تبعید رضاخان به پایان رســـید. با پخش خبر تبعید رضاخان از کشـــور، بسیاری از مردم به‌صورت خودجوش به تکیه‌های عزاداری و مســـجدها روی آوردند و با اینکه ماه محرم و صفر نبود، فریاد «یا حســـین» سردادند. این گونه حرکت مردم و اظهار شادی خود با فریاد «یا حسین»، در واقع واکنشی بود به سال‌های ممنوع بودن عزاداری امام‌حسین(ع) درمدتی که رضاخان عزاداری در ایران را ممنوع کرده بود، عده‌ای از شـــبیه‌خوانان اباعبدالله(ع) ناچار شـــدند از کشـــور کوچ کنند و به نقاط دیگر دنیا بروند. رســـم تعزیه از همین‌جا به نقاط دیگر خاورمیانه ســـرایت پیدا کرد، چنانکه مثلا امروز در لبنان هم این رسم با شکوه فراوان برگزار می‌شود و ریشه آن شبیه‌خوانان جلای وطن کرده در دوره رضاخان دانسته شده‌اند.

منابع:
(قسمت اول از مقاله دو بخشی کارکرد فرهنگی عزاداری در دوره پهلوی اول؛ به‌کوشش عبدالعلی ترابی ورنوسفادرانی و سیدمصطفی طباطبایی)
(عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۴۶۱)
(حسن اعظام قدسی(اعظام الوزاره)، خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران، ج ۲، ص ۶۹۳-۶۹۲)
(خاطرات ملکه پهلوی تاج‌الملوک آیرملو (همسر اول رضاخان-مادر محمدرضا پهلوی)، تهران، به‌آفرین، ۱۳۸۱، صص ۷۷-۷۵)
(عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۴۶۱)
(چالش‌های روحانیت با رضاخان، داود امینی)
(گفت‌وگوی خبرگزاری صدای افغان (آوا) با بهلول گنابادی. سال ۱۳۸۰)
(حمید بصیرت‌منش، علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی-فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۵، تهران، عروج، ۱۳۷۶، صص ۱۴۱-۱۳۹)
(خاطرات آیت‌الله پسندیده، به کوشش محمدجواد مرادی‌نیا تهران، سوره، ۱۳۸۱، صص ۹۰-۸۸.)
(حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، صص ۲۵۴-۲۵۳.)
(هفتاد سال خاطره ازآیت‌الله بدلا، صص ۹۶-۹۵)
(حمید بصیرت منش، علما و رژیم رضاشاه، صص ۲۵۴-۲۵۳.)
(از تو آموختیم چگونه مظلوم باشیم و پیروز شویم. شیخ‌علی اسدی. شماره ۴۰۱۷ روزنامه فرهیختگان)

دوباره تکیه‌های حسینی: دوباره شور مبارزه با وابستگی و استبداد

پس از تبعید رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، مراسم محرم مجددا در تکایا و مساجد به‌صورت خودجوش برگزار شـــد. از همان زمان درونمایه سیاسی و مبارزاتی هم به‌مراســـم عزاداری پیوست. به‌طور خاص یک‌ســـری هیات‌های مذهبی تهران مثل هیات آل‌یاســـین، هیات زنجیرداران مرکزی تهـــران، هیات بنی‌الزهرا و... در فعالیت‌ها و مبارزات سیاســـی و فرهنگی‌شان خواستار اجرای احکام اسلامی و احیای مراســـم عزاداری ماه محرم شـــدند. در ادامه با آغاز نهضت ملی شدن صنعـــت نفت هم بهره‌گیـــری از فضای محرم برای اعلام خواســـته‌ها و نظرات، ازجملـــه کارهای نیروهای طیف مذهبی، من‌جمله جمعیت فداییان اسلام به رهبری نواب صفوی بود. بعد از کودتای آژاکس در ۲۸ مردادماه ســـال ۱۳۳۲، دوره ۱۲ ســـاله‌ای که در ایران آزادی‌های نســـبی وجود داشت به‌پایان رسید. از اینجا به‌بعد تمام همت رژیم شـــاه به غیرسیاسی کردن شهروندان ایران و سرگرم کردن مردم به هرچیز خالی از محتوایی معطوف شـــد. حالا دیگر عزاداری ایراد نداشـــت، اما همه چیز باید درحد یک مراسم سنتی باقی می‌ماند و نباید از این ســـوگواری پیام رهایی‌بخش عاشورا ترویج داده می‌شد. ۱۰ سال بعد از کودتای آژاکس، به محرم سال ۱۳۴۲ می‌رسیم.

محرم سال ۴۲: نطفه‌بستن یک قیام بزرگ

حتی یک نمونه را در تاریخ جهان نمی‌شود سراغ گرفت که حکومتی توانسته باشد بدون حل کردن مشکلات مردم و از میان برداشتن نقاط محل اختلاف بین حکومت و جامعه، صرفا با سرگرم کردن مردم و غیرسیاسی کردن‌شان بتواند تا ابد باعث فراموشی دغدغه‌های اجتماعی شود. اما شاه فکر می‌کرد که این روند می‌تواند تا ابد ادامه پیدا کند. ریشه حوادث فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ به رویدادهای سال ۱۳۴۱ ازجمله موضوع اصلاحات ارضی، تصویب‌نامه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و ماجرای برگزاری رفراندوم ۶بهمن برای تصویب اصول ۶گانه یا انقلاب سفید شاه برمی‌گردد. در دی‌ماه ۱۳۴۱ طرح جدید شاه با عنوان «انقلاب سفید» یا ...

در ماه محرم، از آنان خواستند تا در روز هفتم محرم، ضمن روضه امام حسین(ع)، روضه فیضیه هم در منابر خوانده شود و از روز نهم هم نوحه‌خوانان در مجالس سینه‌زنی، حادثه فیضیه و مصائب وارده بر اسلام و روحانیت را بیان کنند. ساواک هم برای جلوگیری از بیان این مطالب، با تنظیم طرحی کلی برای روزهای عزاداری، ضمن احضار روحانیون و تفهیم موقعیت حکومت، با کنترل شدید مراکز و منازل عزاداری، برنامه‌هایی برای مساجد و بانیان عزاداری ماه محرم درنظر گرفت که مطابق آن فقط درباره مسائل عزادارای صحبت شود (همان اسلام غیرسیاسی و بی‌خطر) اما محرم ۴۲ به یکی از سیاسی‌ترین دهه‌های محرم در تاریخ سیاسی ایران تبدیل ...

۱۵ سال سکوت و خفقان، از عاشورای ۴۲ تا عاشورای ۵۷

منابع:
محرم و انقلاب اسلامی ایران، اکبر فلاحی
ایران بین دو انقلاب، یرواند آبراهامیان
هفتاد سال پایداری، خاطرات حسین شاه‌حسینی به کوشش امیر طبرایی
امام خمینی از ولادت تا رحلت (بایگانی شده در سایت امام خمینی (ره))
تولد یک انقلاب، عمادالدین باقی

ادامه از صفحه ۱۲

گفت‌وگو

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سعید رزاقی درباره «پی‌نما» و تصویرسازی مذهبی

پی‌نما ریشه در پرده‌خوانی دارد

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

آنچه امروز با نـــام «پی‌نما» می‌شناســـیم ریشـــه در پرده‌خوانی‌های عاشـــورا یا نقاشـــی‌های قهوه‌خانه‌ای دارد. تصاویـــری که یا آنقدر کامل بودند که هر بخـــش یک داســـتان را تعریف می‌کرد یا مجموعه‌ای از تصاویری بودند که قصه‌ای را روایت می‌کردند. در ســـاختار پرده‌خوانی‌های عاشورا هم شخصیت منفی وجود دارد که همان اشقیا هستند و هم شخصیت مثبت وجود دارد که ابرقهرمان‌ها هســـتند. شـــخصیت‌هایی مانند حضرت علی‌اکبـــر(ع) یا حضرت ابوالفضل(ع) یکی از نمونه قهرمان‌ها در این تصاویر هستند. برخی کارشناسان معتقدند از نظر خصوصیات تصویری، در پرده‌خوانی مانند «پی‌نما» نمای لانگ‌شات و نمای کلوزآپ داریم. رابطه و شباهت نزدیک بین پرده‌خوانی و پی‌نما باعث شده در حوزه پی‌نما آثار آیینی یا عاشورایی جذابی تولید شود. سعید رزاقی یکی از طراحانی است که مبدع واژه پی‌نماست و آثاری در حوزه‌های تاریخی و مذهبی از خود به جای گذاشته است.

در صفحه اینستاگرام شما پستی را دیدم که در آن گفته شده بود «پی‌نما» در ایران قدمت ۱۵۰ ساله دارد و ریشه تاریخی هم برایش آورده بودید. آیا نقالی‌ها و پرده‌خوانی‌ها مشابهت‌هایی با این «پی‌نما» داشته است؟

در کشورهای انگلیسی‌زبان به این کار کمیک استریپ گفته می‌شود. در کشور ژاپن یا کره به آن مانگا گفته می‌شود. در اروپا باندسینه گفته می‌شود. در کشورهای مختلف ...

و پی‌نما به صورت تخصصی‌تر در تولید کار پی‌نما هستند و یا بعضی جشنواره‌ها در ســـطح ملی هم با این عنوان مسابقه گذاشته و استعدادهای پنهان در این رشته را جســـت‌وجو می‌کنند. پس خوشوقتم که عرض کنم به‌زودی بسته فرهنگی خاص کشور خود را به مخاطب ارائه می‌دهیم.

دوره‌ای این پی‌نما در مطبوعات کم شد و الان دوباره رواج یافته است.

راســـتش را بخواهید بگذارید خیلی رک و بی‌تعارف بگویم: فرصت‌سوزی‌هایی که در فرهنگ مملکت و به‌خصوص در این رشته توسط متولیان فرهنگی اتفاق افتاده نابخشودنی است چون این نامدیران همواره به این هنر به چشم یک تهاجم فرهنگی وارداتی بیگانه نگاه می‌کردند و می‌گفتند و همیشـــه از بسترسازی و پرورش نیروی متخصص ممانعت به عمل می‌آوردند و خیلی از مدیران کج‌سلیقه فرهنگی دافعه‌ای بی‌جا نسبت به این هنر داشته و دارند. در حالی که همان مدیران بی‌سواد فرهنگی که حتی فرهنگ را با «ح» می‌نوشتند، هیچ‌گاه برای لحظه‌ای کوتاه هم در فرهنگ ملی و مذهبی خودمان بررسی مناسبی نکردند تا متوجه این واقعیت در دل فرهنگ ملی-مذهبی شوند که ما در زمان‌هایی خیلی دورتر از بقیه جهان هنرهایی همانند پرده‌خوانی‌های عاشورا یا نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای را داشتیم! صدحیف!!

حتـــی اگر دقیق‌تر در روایت‌های تصویری نقش برجســـته‌های قبل از اســـلام در تخت‌جمشید توجه کنیم، می‌فهمیم که ما خیلی قبل‌تر ریشه‌های این نوع هنر را داشـــتیم که متاسفانه هیچ‌گاه این را بررسی نکردند که چنین چیزی در تاریخ خود داشـــتیم و باید بدان پر و بال دهیم و متاسفانه خیلی فرصت‌های فرهنگ‌سازی که می‌توانســـت اتفاق بیفتد از دست رفت و این همه سال لطمه دید! درحالی که این ...

عامه همچنان ارزشمند بود و این روضه‌های تصویری هیچ‌گاه برایشان تکراری نمی‌شد و با هر قشری ارتباط می‌گرفت. چه فرهیخته و چه بی‌سواد! حتی با گروه سنی کودک و مخاطبی که خیلی اهل مطالعه و اهل تحقیق نبودند.

پی‌نمای عاشورایی چه ویژگی‌ای دارد تا بتوان ثبت کرد و در جایی بایگانی کرد؟

در زمینه پی‌نمای عاشورایی دو کتاب کار شده که مورد قبولم است: یکی کار آقای پرویز اقبالی است که کتاب داستان عاشورا را کار کرده و با توجه به نگارگری ایرانی کار ارائه شده که کاری به‌شدت گیرا و جذاب است. داستان عاشورا در عراق و شام اتفاق افتاده، ماجرایی عربی است ولی قلم تصویرگر این داستان ایرانی بوده و در نتیجه کار گرافیکی و نگارگری ایرانی بود. کار آقای اقبالی بسیار خوب و تاثیرگذار شده بود که به ۱۴ زبان زنده دنیا نیز چاپ شـــده است. اثر دیگر با قلم شکسته من حقیر انجام شده است که زینب سفیر عشق نام کتاب است. در کتاب آقای پرویز اقبالی مینیاتور و نگارگری ایرانی مشهود است و البته اضافه کنم که خود به خود کار مینیاتور ایستا و ساکن است. چون بیشتر به تصویرسازی نزدیک است تا به سینما و انیمیشن و از تحرکی که از کمیک‌استریپ توقع داریم در نگارگری خبری نیست و جریان نگاه کم و ساکن و ایستا اتفاق افتاده است. پس حرکت‌های شخصیت‌های داستان عاشورا تا حدودی ایستا هستند. توالی را دارد ولی تا حدودی هم ایستایی نگاه را با خود به همراه دارد که به‌خاطر اســـتفاده بهینه این گرافیک زیبای ایرانی است. بنابراین در انجام کتاب حضرت زینب(س) با خود فکر کردم تا برای رسیدن به روایت پرتحرک از واقعه عاشورا باید چطور کار کنم. ضمن اینکه احترام زیادی برای کار آقای پرویز اقبالی قائل هستم، ولی خواستم در کار خودم غلظت سینمایی بیشتری وجود داشته باشد.

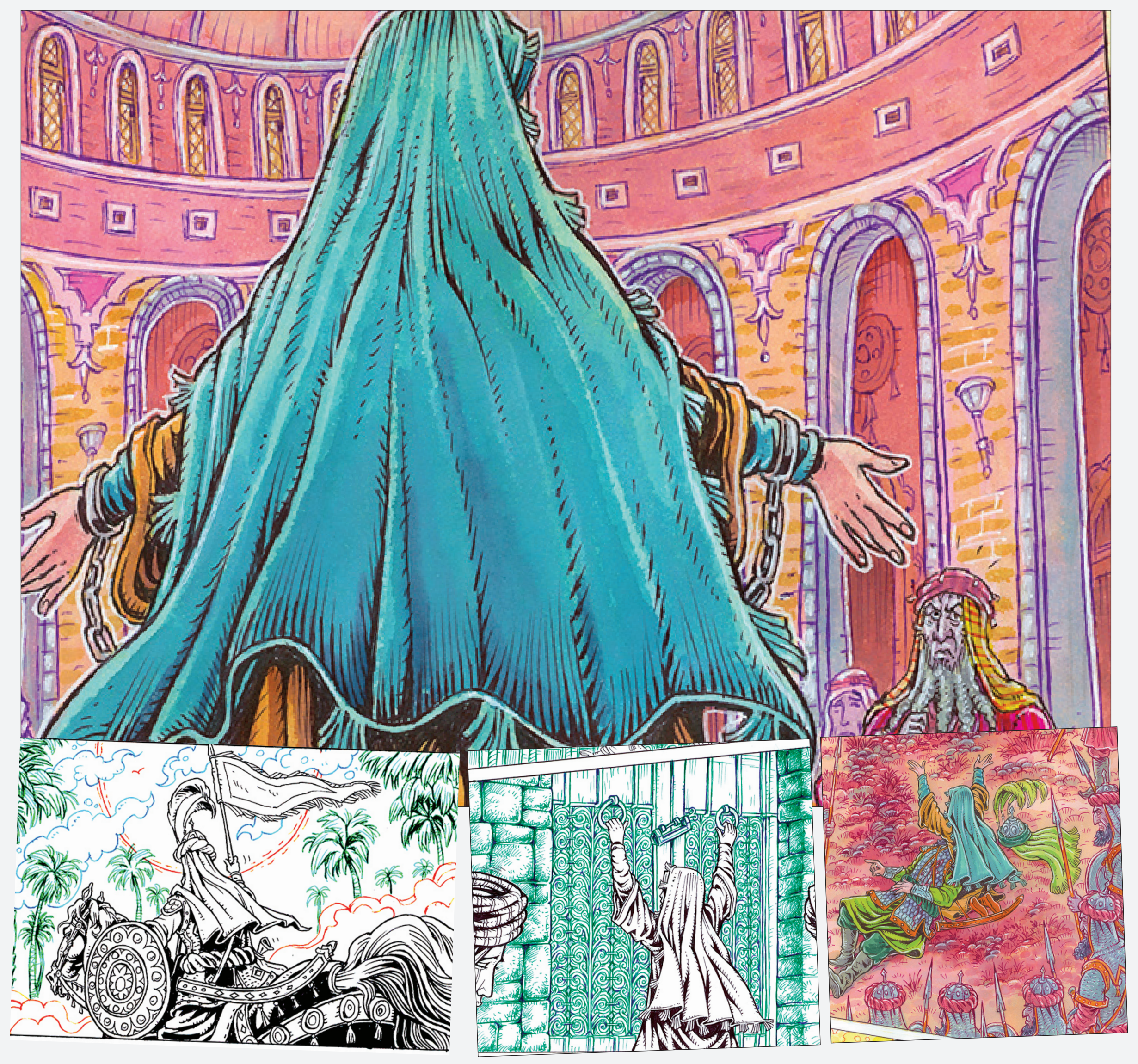

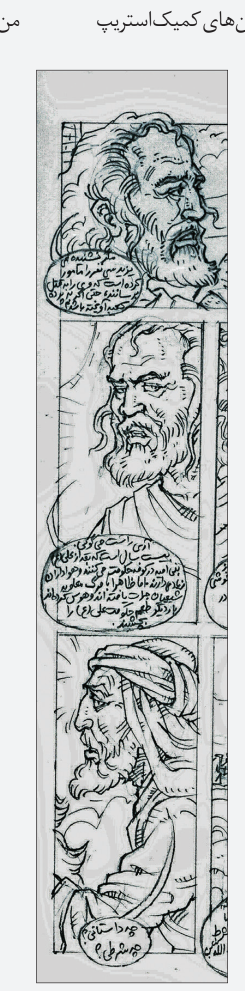

نوجوان مخاطب شما هستند؟

... نوجوانان و کودکان مخاطبـــان اصلی من در این ...

... این رشته را پیدا و کشف کرده و به آموزش و پرورش آنها بپردازیم و ان‌شاءالله اگر از الان درست و بنیادی کار کنیم ۱۰ سال بعد نتایج خوبی از آن را خواهیم گرفت. هرچند خیلی دیر شروع کردیم ولی باز هم جای شکرش باقی است!

نگاه

نقش عاشقی

تلفیق کلام، تصویر و اجرا در پرده‌خوانی سبب شده که این هنر، موثرترین و نمایشی‌ترین شکل قصه‌گویی در میان هنرهای ســـنتی ایران به حســـاب آید و در عین حال می‌توان آن را تنها هنر قصه‌گوی تصویری در جهان اســـلام محســـوب کرد. ســـاختار پرده‌خوانی بر دو رکن «پرده» و «پرده‌خوان»، استوار است. غالبا روی پرده‌ها،

نقاشـــی‌هایی ازمصیبت‌های اهل بیت(ع) و به‌خصوص واقعه عاشـــورا نقش می‌شد و شخصی که پرده‌خوان می‌نامیدندش به نقل داســـتان با صدایی رســـا و آهنگین می‌پرداخت. در هر پرده به سبب قداست عدد ۷۲ و تعداد یاران امام حسین(ع) در کربلا، ۷۲ مجلس از صحنه‌های نقاشی شده فرعی و اصلی وجود دارد. نمایش

پرده‌خوانی، متکی بر کلام است که به دو شیوه «زینتی» و «طوماری» توسط پرده‌خوان اجرا می‌شود؛ در شیوه طوماری، پرده‌خوان، پرده را به تدریج و آرام آرام باز می‌کند و در این حین قســـمتی از پرده که گشـــوده شـــده را برای تماشـــاگران روایت می‌کند. این تصاویر کوچک‌تر نقش شـــده و به صورت طوماری اســـت. اما در روش زینتی، پرده تنها برای جلب توجه تماشاگران نصب می‌شد. در پرده‌خوانی‌ها، پارچه‌ای با صورت‌های منقوش در دو گروه اشـــقیا و اولیا استفاده می‌شـــود. این پارچه از جنس «متقال» یا «کرباس» و به ابعاد ۱۵۰ در ۳۰۰ سانتی‌متر است. در این پرده، نقش‌های اشقیا با حالتی زشت و گاه هیولا مانند به‌طوری که پلیدی آنها را بیننده حـــس می‌کـــرد و نقش انبیا و امامان در هاله‌ای از نور و یاری دهندگان‌شـــان با چهره‌ای زیبا و آرَام به تصویر در می‌آمد. نقاشـــی قهوه‌خانه‌ای به رعایت تکنیک خاص خود و اسلوب خودجوش ایرانی تکیه دارد و مستقیما از ذهن نقاش بدون اســـتفاده از مضامین خارجی نشـــأت می‌گیرد. نقاش در این سبک با عدم پرداخت دقیق به آناتومی و پرسپکتیو، چهره‌هایی را می‌آفریند که کاملا زاییده تفکر اوست. این نقش‌ها، ترکیبی از واقع‌گرایی و خیال‌پردازی در ارائه پهلوانی، حق‌جویی و حق‌گرایی است. از خصوصیات بارز این سبک از نقاشی همگامی و هماهنگی با هنرهایی چون نقالی، پرده‌خوانی و درنهایت تعزیه است. نقاشان موضوعات را مطابق با شرحی که از زبان نقال، تعزیه‌خوان، مداح و روضه‌خوان می‌شنیدند و همان‌گونه که در ذهن مردم کوچه و بازار وجود داشـــت به تصویر می‌کشیدند و درواقع به میل و خواست مردم آثار خود را خلق می‌کردند. نقاش قهوه‌خانه‌ای آنچه را که مردم باور داشـــتند اصل می‌دانســـت و خود یکی از آنها بود. ارزش نقاشـــی‌ها به مردمی بودن آنها و سادگی در بیان موضوع بستگی داشت. نقاشی قهوه‌خانه‌ای توانست قهرمانان حماسی و مذهبی مردم را در پیش چشمان آزادیخواه آنان ترسیم کند.

ادامه در صفحه ۱۳